



سلوک اخلاقی و مدیریتی آیت‌الله شهید علی قدوسی ...

غلامرضا گلی زواره

و پرمایه پرورش یافتند و دوم آنکه شیوه‌های آموزشی و تربیتی اعمال شده در این مدرسه توسط شهید قدوسی برای دیگر مدارس علوم دینی الگویی خوب به شمار آمد و در جهت مساماندهی و ارتقای محتوای این مدارس فوق‌العاده‌ای داشت. بارها به شاگردان توصیه می‌کردند: «این انتخاب شما انتخاب بزرگی است، این راهی است که اگر پیروز شوید به مقام اعلی می‌رسید و گر نتوانید به هدف برسید، وضعتان از یک انسان عادی که در راه قطع وابستگی‌ها به جایی نرسیده، بدتر خواهد شد و این راهی است که علم تنها نمی‌خواهد، بلکه عالم ربانی می‌خواهد» (۶).

در تربیت شاگردان غالباً از روش غیرمستقیم استفاده می‌کردند و عیب‌اشخاص را به رخ آنان نمی‌کشیدند، بلکه با مطرح کردن خودشان، افراد را متوجه نقطه ضعفشان می‌کردند. عقیده داشتند: «اگر در تلاش‌های مذهبی دقت و مراقبت نشود و کارها مورد نقد و بررسی و ارزشیابی قرار نگیرند، امکان دارد از مسیر صحیح و اصولی دور شویم» در توصیه به دانش‌پژوهان تاکید می‌کردند: «شما بنا بگذار از سطر از دعای مکارم الاخلاق را در رفتار خودت پیاده کنی، من وعده کمال و بهشت می‌دهم» نسبت به نهج البلاغه یادآور می‌شدند: «به یک جمله‌اش عمل کنید تا عمری را نجات یابید».

آن شهید بزرگوار شیوه‌های مختلف را در تربیت آزمایش و از بهترین افراد برای پیشبرد طلاب استفاده کردند. می‌گوشیدند عزم و اراده شاگردان را تقویت کنند و معتقد بودند خودسازی و نیز مبارزه با نفس اماره و ستیز با طاغوت، روح استوار و پرصلاحت می‌خواهد، این مسیر به استقامت نیاز دارد، توام با مشقت است، باید روح تقید و عمل به اجزاء احکام اسلام ملکه شود، محیط مدرسه باید میدان عمل و مراقبت باشد و چنین فضایی را به‌خوبی پدید آورد. همین شیوه‌های تربیتی بود که دانش‌آموختگان مقاومی را تحویل اجتماع داد که از دستگاه ستم نهراسیدند و مبارزه با جور و فساد را در راس برنامه‌های خود قرار دادند و بعد از پیروزی انقلاب نسبت به مسئولیت‌هایی که به آنان تفویض شده بود، احساس تعهد کردند و همچون خود ایشان، مخلصانه و فداکارانه از هیچ کوششی در جهت پیشبرد اهداف نظام اسلامی دریغ نداشتند و از نام و شهرت پرهیز کردند. (۷)

در مدرسه‌ای که به مدیریت شهید قدوسی اداره می‌شد، ضمن آنکه ساختار نوینی در برنامه‌های درسی طلاب پدید آمد و آنان با دروس جدید آشنا شدند، علم اسلامی با عمل توأم شد و بر حسب تعبیر برخی از آگاهان، مدرسه حقانی، مرکزی برای پاسداران فکری و عملی نهضت امام خمینی بود. (۸) پس از شهادت آیت‌الله قدوسی، ساختمان مدرسه در اختیار بانی آن قرار گرفت و شاگردان آن به محل جدیدی تحت عنوان مدرسه شهیدین بهشتی قدوسی انتقال یافتند و به تلاش‌های علمی خود ادامه دادند. اکنون این مدرسه در شهر مقدس قم در تربیت طلاب مستعد مشغول انجام وظیفه است.

بر مسند قضاوت شهید آیه‌الله قدوسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، همچون دیگر یاوران امام خمینی، از هیچ کوششی در راه تحقق آرمان‌های مقدس اسلام باز نایستادند. در آستانه ورود امام خمینی به ایران، ایشان یکی از اعضای فعال کمیته استقبال بودند و به دلیل سابقه مدیریت و توانی که در این کار داشتند،

ایشان استفاده می‌کرد. (۳) شهید قدوسی برای آنکه شاگردان با دروس غیر حوزوی آشنا شوند، از اساتید دانشگاه دعوت کرد که به این مدرسه بیایند و علوم را به محصلین یاد دهند که به همین جهت رابطه به‌خصوصی بین حوزه و دانشگاه ایجاد گردید. این استادان زبان انگلیسی، جامعه‌شناسی، مباحث اقتصادی، ریاضیات و روان‌شناسی تدریس می‌کردند. اصولاً شهید قدوسی در زمره کسانی بود که برای روشنفکران متعهد و مسلمان احترام قائل بود و ارتباط و تماس‌های فکری زیادی با دانشگاهیان مبارز و مسلمان برقرار کرد. با جلال آل‌احمد مرتبط بود و سعی بسیار در ایجاد اتحاد و تماس بین روشنفکران و روحانیت نمود. (۴)

شهید قدوسی با وقت‌گذرانی و تعطیلات مکرر مخالف بود و می‌کوشید تا مدرسه در بسیاری از اعیاد و ایام رحلت و شهادت تعطیل نشود و حتی گاهی که شخصیتی برجسته رحلت می‌کرد، به شاگردان می‌گفت: «شما به احترام ایشان در روز ارتحالش درس بخوانید و ابواب را به روح او هدیه نمایید». گاهی در این موارد مثال جالبی را مطرح می‌کرد: «ما مثل سربازان در حال نبرد هستیم. اگر یکی از ما کشته شود، نباید دیگران امور خود را متوقف کنند و به کنار روند و استراحت کنند، بلکه با فقدان یک نیرویی، دیگر قوا باید جدیت بیشتری از خود بروز دهند تا آن ضایعه ترمیم شود. البته اگر آن تعطیلی نقش سازنده و مبارزاتی داشت، شهید قدوسی اجازه می‌داد که دانش‌آموختگان درس و بحث را تعطیل کنند، مثل سناروز شهادت آیه‌الله سید محمدرضا سعیدی. این مربی عالی‌قدر با مواردی مانند این که استادی کم درس بدهد و یا مطالب غیر مرتبط با کلاس درس را

برای آنکه شاگردان با دروس غیر حوزوی آشنا شوند، از اساتید دانشگاه دعوت کرد که به این مدرسه بیایند و علوم را به محصلین یاد دهند و به همین جهت رابطه به‌خصوصی بین حوزه و دانشگاه ایجاد گردید. وی در زمره کسانی بود که برای روشنفکران متعهد و مسلمان احترام قائل بود و ارتباط و تماس‌های فکری زیادی با دانشگاهیان مبارز و مسلمان برقرار کرد.

مطرح کند، مخالف بودند و با چنین شیوه‌ای شدیداً مبارزه و تاکید می‌کردند: «اگر شاگردان وقت اضافی دارند، آن را هدر ندهند و روی درس‌های قبل کار کنند» (۵)

شهید قدوسی از یک سو برای طلاب سختگیری می‌کرد که وقت آنان تلف نشود و به درس‌های خود خوب برسند و متعهد و متدین بآیند و از سویی به آنان مهربانی و به اوضاع و مشکلات درسی و مالی آنان رسیدگی می‌کرد که این کارش دو نتیجه مفید در بر داشت: نخست اینکه عناصر مفید سازنده

در مدرسه منتظره یا حقانی با تلاش شهید قدوسی متون درس جدید متناسب با نیاز طلاب و مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی تعلیم و تربیت تدوین گشت و چون برخی از این منابع جدید التالیف بودند و از طرفی ضرورت داشت محتوای آنها در کلاس‌ها تدریس شود، شهید قدوسی برای آنکه در روند آموزشی مدرسه تاخیر و خللی وارد نیاید، با دست‌خود جزوات درسی را تایپ و تکثیر می‌کرد و به‌رغم آن شخصیت علمی و پایگاه پرمایه اجتماعی و فرهنگی، بدون هیچ گونه پروایی آسنتین‌ها را بالا می‌زد و با عشق، علاقه و خلوص خاصی به عنوان انجام یک تکلیف الهی، کارهای دفتری و اجرایی را تا پایین‌ترین سطح، شخصاً انجام می‌داد تا چرخ مدرسه را در آن دوران سیاه استبداد به گردش درآورد. (۱)

ایشان برای مدرسه برنامه‌های دقیق تنظیم کرد که برخی از مجامع علمی و آموزشی را شگفت زده کرد. برای مراتب دروس از مقدمات، سطوح و خارج، جلسات و کلاس‌هایی را تشکیل داد و دقیقاً آنها را پیاده کرد، به‌نحوی که هر یک از شاگردان و حتی اساتید اگر به اندازه پنج دقیقه تاخیر در حضور داشتند، مورد مؤاخذه قرار می‌گرفتند و مقید بودند تا آخر ساعت، کلاس درس را ادامه بدهند و هر روز می‌بایست از شاگردان در درس قبلی پرسش‌شود و نمره مناسب آنها مشخص گردد و هر هفته یک امتحان کتبی داشتند، اوراق هر یک از طلاب را دو نفر دیگر از شاگردان تصحیح می‌کردند و در سال هم دو مرتبه آزمون اساسی برگزار می‌شد. در این مدرسه دروس تاریخ اسلام، ریاضی، زبان انگلیسی، و اخلاق هم تدریس می‌شد و روزهای پنج‌شنبه که درس‌های رسمی حوزه تعطیل بود، جلسات درس اخلاق در این مدرسه دایر بود و در نتیجه اجرای این برنامه در ظرف چند سال دانش‌آموختگان از حیث علم و تقوا و اخلاق به گونه‌ای پرورش یافتند که ممتاز بودند و در نشر احکام اسلام تلاش‌های ارزنده می‌کردند و برای تحقق انقلاب اسلامی و محو استبداد از جهات گوناگون فعالیت زیادی داشتند و پس از انقلاب اسلامی در بسیاری از نهادهای جمهوری اسلامی ایران و از جمله در امور قضایی و حقوقی خدمات شایان تحسینی از خود نشان دادند. (۲)

شهید قدوسی طلاب مدرسه را بلندنظر و با روح بزرگ برآورد و حتی از بیم آثار منفی بر روح و روان آنان از پذیرش هدایایی که احياناً مردم می‌خواستند به طلبه‌ها تقدیم کنند امتناع می‌کرد.

وی در جهت ایجاد حس اعتماد و فراهم آوردن زمینه رشد معنوی طلاب استفاده از میزان شهریه مدرسه را به اختیار خودشان گذاشته بود تا هر کدام به مقداری که نیاز دارند برارند، فروشگاه تعاونی مدرسه مسئول خرید داشت، ولی فروشنده نداشت و این خود طلاب بودند که کالاها و اجناس مورد نیاز را انتخاب می‌کردند و پولش را در صندوق فروشگاه می‌ریختند و اگر پول لازم را نداشتند، در دفتر خریدهای نسبی، خودشان بدهی را یادداشت می‌کردند. شهید قدوسی صبح‌های زود و گاهی نیمه شب به مدرسه می‌آمد تا از نزدیک بر رفتار و اعمال و میزان تقید طلاب بر واجبات و مستحبات نظارت کند و گاه پیاده همراه شاگردان به مسجد مقدس جمکران می‌رفت و از فرصت‌های مناسب برای کمک به رشد و کمال

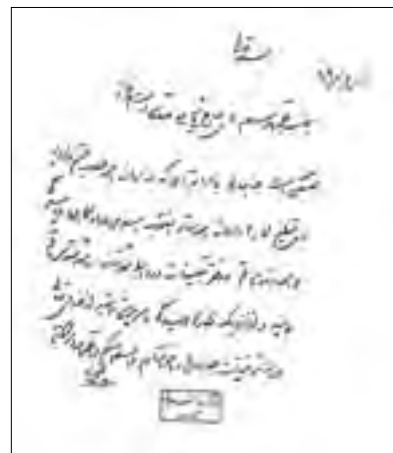
کاملاً نشان می‌دهد که ارتباط مستقیمی با صهیونیست‌ها دارند، دیدید که رژیم اشغالگر قدس بعد از توقیف روزنامه آیندگان اظهار تأسف کرد به چه مناسبت یک کشوری که به تمام معنا از صهیونیست‌بین‌المللی الهام می‌گیرد، از یک روزنامه‌ای در یک کشور اسلامی توقیف شده، اظهار تأسف می‌کند. شهید قدوسی با گروه‌های الحادی نظیر حزب توده، چریک‌های فدایی خلق و پیکار برخورد قاطعی کرد و عقیده داشت، اینها علف‌های هرزی هستند که در مسیر حرکت امت اسلامی در همه جا سبز می‌شوند و باید ریشه آنها خشکانیده شود و با برخوردهای مقطعی و موردی مخالف بود و معتقد بود مسامحه در سرکوبی آنها موجب می‌شود که ضد انقلاب قوت بگیرد، لذا با یک اقدام قاطع، ساختمان‌های بیت المال را که در اختیار این تشکیلات منحرف بود، از دستشان گرفت و سپس نشریات آنان را توقیف کرد و مهره‌های اصلی را دستگیر و روانه زندان کرد. البته در آنجا نیز سعی بر هدایت آنان داشت. (۱۲)

ماه‌ها قبل از آنکه منافقین حرکت مسلحانه را آغاز کنند، شهید قدوسی با تیزبینی خاص خود خطر مزبور را تشخیص داد و نظرش این بود که جلوی آنها گرفته شده و فعالیتشان محدود گردد و از سال ۱۳۵۹ مصمم گشت تا در یک حرکت ناگهانی تمام مسئولین آنها دستگیر شوند تا نتوانند اقدامی علیه نظام و جامعه انجام دهند که متأسفانه این پیشنهاد از سوی دیگر مسئولان حمایت نشد و با وقوع حوادث جدید نظر آن شهید را پذیرفتند، اطلاعیه ده ماده‌ای که دادستانی کل انقلاب از سوی آیةالله قدوسی صادر گردید، در واقع اعلام موضع قوی و محکم نظام اسلامی در مقابل منافقین و گروه‌های ضد انقلاب بود که بعد از صدور آن شهید قدوسی به‌طور کامل و جلی به مبارزه با گروهک‌ها پرداخت و ستاندی را تحت عنوان ستاد پیگیری اطلاعیه دادستانی کل انقلاب به وجود آمد. (۱۳)

در دوران ایشان شهربانی‌ها و کلاتری‌ها به دلیل شرایط اوایل انقلاب از نظم و انسجام کفایتی و لازم برخوردار نبود که با همت معاونین و موافقت آن شهید گران‌قدر تشکیلاتی به نام «گشت‌شب» از نیروهای مردمی و بدون تحمیل هزینه به بیت المال امنیت سطح شهر را در شب‌ها تامین می‌کردند. همچنین وی با معتادان به مواد مخدر و قاچاقچیان آن برخورد قاطع کرد که در این راه توفیق‌هایی را هم به دست آورد و تقریباً این باتلاق فساد ریشه‌کن گشت، اما در مراحل بعدی و به دلیل

برخی بی‌توجهی‌ها این جریان گسترش یافت. (۱۴) از جمله ویژگی‌های شکفت و منحصر به فرد شهید قدوسی در سمت دادستان کل انقلاب، مهربانی وافر و توجه بی‌دریغ وی به مراجعین بود. فردی نبود که به وی مراجعه کند و از برخوردش آزرده شود، حتی اگر با برخوردهای توهین‌آمیز طرف مقابل مواجه می‌شد، آن را تحمل می‌کرد و معتقد بود که در این موارد است که انسان خود را می‌آزماید و به میزان تسلط بر نفس و قوه غضبیه پی می‌برد، او مانند کوهی استوار حتی به حرف‌های افراد طاغوتی و بی‌بند و بار هم گوش می‌کرد و می‌گفت: «برایم سخت است که سخن کسی را که با امید به اینجا آمده قطع کنم.» البته آنان ابتدا با شخصیتی قاطع، قدرتمند و بسا ابهت روبرو می‌شدند، ولی به‌تدریج می‌دیدند، این ویژگی با یک نوع دلسوزی پدرا نه توأم است و او می‌خواهد راهی برای رفع مشکل مراجعان بیابد، به همین دلیل برخی دوستان ناگاه در جراید نوشتند: «چرا این قدر ضد انقلاب‌ها با شهید قدوسی رابطه خوب دارند؟!»

رفتارش با محکومین نیز عدالت مولایش علی (ع) را در اذهان زنده می‌کرد. معتقد بود در عین اینکه باید در اجرای احکام شرعی قاطعیت داشت، باید مجازات متناسب با جرم باشد و محکوم نباید مورد اهانت قرار گیرد و یا آن قدر بی‌آبرو شود که پس از آزادی از زندان، دیگر جایی در جامعه نداشته باشد. با متهم و مجرم چنان با متانت، خونسردی و بزرگواری برخورد می‌کرد که همه تعجب می‌کردند و بارها تأکید می‌کرد



ارشاد در شرایط آشفته آن روز بودند و به دولت موقت فشار آوردند که یک فرستنده رادیویی و تلویزیونی در قم ایجاد کنند، اما آنان به بهانه‌های مختلف با این پیشنهاد مخالفت کردند. موقعی که امام، نامبرده را به عنوان دادستانی کل انقلاب منصوب فرمودند، خطاب به ایشان گفتند: «باید بداند نخست وزیر واقعی در شرایط کنونی و اداره‌کننده واقعی و آرام‌بخش راستین، دادستان انقلاب است.» (۱۰) اهتمام آن شهید بر این بود که احکام اسلام را در شعب دادگاه‌های انقلاب پیاده کنند و شب و روز خود را صرف اصلاح این نهاد می‌کردند، زیرا عقیده داشتند این تشکیلات براساس ضوابط اسلامی بنیان نهاده شده و باید بر مبنای اسلام و قرآن و احکام این آیین قضاوت کند و مقررات ضد اسلامی و طاغوتی و دست و پاگیر از بین بروند. همچنین چنین عقیده‌ای را در مورد دادگاه‌های دادگستری هم داشتند و اصرارشان بر این بود که تحولات مزبور از قم شروع شود و به دیگر نقاط تسری یابد. (۱۱)

در زمان تصدی ایشان در سمت دادستانی انقلاب اسلامی،

■ ■ ■

از یک سو برای طلاب سختگیری می‌کرد که وقت آنان تلف نشود و به درس‌های خود خوب برسند و متعهد و متدین بار آیند و از سوی به آنان مهربانی و به اوضاع و مشکلات درسی و مالی آنان رسیدگی می‌کرد. به این ترتیب عناصر مفید، سازنده و پرمایه‌ای پرورش یافتند و شیوه‌های آموزشی مدرسه حنفی الگوی دیگر مدارس علوم دینی شد.

مطبوعات منحرف به پایگاه‌های دشمن تبدیل شدند. در این نشریات که به منافقین، گروه‌های چپ و ملی‌گراها تعلق داشت، به اسلام، نظام و انقلاب توهین می‌شد و نیز با تحلیل‌های غلط و درج گزارش‌های جعلی و دروغین، اسباب یاس مردم از جمهوری نوپای اسلامی را فراهم می‌ساختند تا زمینه برای تغییر حکومت فراهم شود. حضرت امام با تیزبینی این توطئه را تشخیص و اخطار دادند و شهید قدوسی به خستی نمودن آن همت گماشتند.

شهید قدوسی در مصاحبه‌های خاطرنشان ساخت مدارکی از برخی روزنامه‌ها بدست آوردیم و منتشر خواهیم کرد که

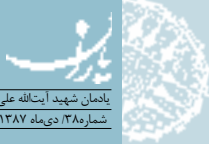
برخی از مسئولیت‌های حساس به ایشان سپرده شد. پس از مدتی به دلیل احتیاج مبرمی که شهر قم به یک مدیر قوی داشت، امام طی حکمی، ایشان را مأمور اداره امور ستاد انقلاب اسلامی و دیگر مسائل شهرستان قم کردند و شهید قدوسی با توجه به هوش سرشار و تدبیر و تجارب مدیریتی، این کار را به نحو احسن و مطلوب انجام دادند. پس از مدتی که امام خمینی به قم مراجعت کردند، مسائل مربوط به دفتر رهبری هم به این امور اضافه شد و هر روز ایشان بخشی از وقت خود را در آنجا می‌گذراندند.

شهید قدوسی از سوی حضرت امام مأموریت یافتند که در دادگاه‌های انقلاب که در تهران تشکیل می‌شدند، حضور یابند و متصدی مقام قضاوت شوند. در آن زمان این نهادها شکل نگرفته بودند و غالب زندانیان در زیرزمین مدرسه رفاه که محل اقامت امام بود، نگهداری می‌شدند. شهید قدوسی با حکم امام به آنجا رفتند و موارد مختلف را زیر نظر گرفتند.

در همین چند روز برخی از مهره‌های اصلی و قدیمی رژیم پهلوی از جمله هویدا، نصیری (رئیس ساواک)، سپهبد مقدم (آخرین رئیس ساواک)، رحیمی فرماندار انتظامی تهران و عده‌ای دیگر اعدام شدند.

مدتی پس از پیروزی انقلاب، دو وظیفه خطیر از جانب امام به آیةالله قدوسی سپرده شد: یکی عضویت در شورای عالی قضایی و دیگری دادستان کل انقلاب. حضور این فقیه عارف در نهاد مزبور موجب بهبود بسیاری از مشکلات شد. در هنگام آغاز به کار ایشان بسیاری از نیروهای نفوذی و حتی عده‌ای از منافقین در دادستانی بودند که آن شهید اصلاحات بنیادین را آغاز کردند و با روحیه‌ای انقلابی، دقیق و عمیق به فعالیت پرداختند و با مشورت شهید بهشتی نیروهای مؤمن و انقلابی را جایگزین این افراد کردند. براساس این پاکسازی، دادستانی از لوث وجود عناصر وابسته پاک و بسیاری از دسیسه‌های دشمن با شکست مواجه شد. به عنوان مثال ایشان به وسیله نماینده‌ای که تعیین کردند، گمرکات را مورد رسیدگی اساسی قرار دادند و این حرکت موجب کشف مقادیر زیادی مواد منفجره و اسلحه و تحویل دادستانی شد. (۹)

شهید قدوسی که از همان ابتدا رضایت خالص را در نظر داشتند، در راه انجام وظیفه از کسی باکی نداشتند و با شهامت بی‌نظیری در مقابل اقدام‌های خلاف و تصمیم‌گیری‌های خودسرانه و بدون رعایت ضوابط قضاوت اسلامی ایستادند و هر جا شکایتی به حق از دادگاه‌ها می‌شد، با جدیت تمام به آن رسیدگی می‌کردند. آن گاه که بر مسند قضاوت اسلامی نشستند، کمر همت را بر اجرای این اصل بستند و عهد کردند داد مظلوم را از ظالم بگیرند. ایشان اولین کسی بودند که آیین‌نامه دادگاه‌های انقلاب را نوشتند. همچنین آن شهید اولین پیشنهاددهنده برای به‌وجود آوردن تغییرات اصولی در وزارت



به خاندان عصمت و طهارت عشق می‌ورزید و سعی می‌کرد این علاقه را در شاگردان خود نیز ایجاد کند و از روی همین اشتیاق بسیاری از خطبه‌های طولانی نهج البلاغه را با تسلط کامل حفظ می‌کرد و در هر مجلس روضه و سوگواری برای امامان شیعه، گریه شدید ایشان باعث توجه دیگران می‌شد.

بی‌نوشت‌ها:

۱. گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین محمدی عراقی، مجله پیام انقلاب، شماره ۱۱۸، ص ۴۱.
۲. یادنامه شهید قدوسی، ص ۵۷.
۳. سیری در زندگی و مبارزات استاد شهید آیه الله قدوسی، روزنامه اطلاعات، همان، ص ۶.
۴. پیشتازان شهادت...، ص ۶۷.
۵. یادواره دومین شهید سنگر فقاقت و قضاوت آیه الله علی قدوسی، روابط عمومی دادستانی کل انقلاب، ص ۱۰۲.
۶. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۸۵۵۵، ص ۶.
۷. یادنامه شهید قدوسی، ص ۶۸ - ۶۹.
۸. یادمان هجدهمین سالگرد شهادت دادستان کل انقلاب شهید قدوسی، سید امیرحسین اصغری، کیهان، شماره ۱۶۶۰۰.
۹. مرد تقوا و استقامت (شهید قدوسی) به روایت یکی از یاران، نشریه شما شماره ۱۷۹، ص ۸.
۱۰. پیام انقلاب، شماره ۹۲، ص ۴۵.
۱۱. یادنامه شهید قدوسی، ص ۶۳.
۱۲. عدالت در خون، ص ۷۷.
۱۳. همان، ص ۶۳ و ۶۵، یادنامه شهید قدوسی، ص ۱۲۰ و ۱۲۱.
۱۴. مرد تقوا و استقامت، نشریه شما، شماره ۱۷۹.
۱۵. دیدار با ابرار، ج ۷۹، ص ۱۱۵ - ۱۱۷.
۱۶. ویژه نامه شهید قدوسی، روزنامه جمهوری اسلامی، ص ۱۰، یادنامه شهید قدوسی، ص ۷۶ و ۱۲۹؛ عدالت در خون، ص ۱۰۰.
۱۷. سیمای فرزندانگن، رضا مختاری، ص ۱۸۸.
۱۸. یادنامه شهید قدوسی، ص ۷۷.
۱۹. همان، ص ۸۰.
۲۰. ویژه‌نامه سالگرد شهادت آیه الله قدوسی، روزنامه جمهوری اسلامی، بی تا، ص ۸.
۲۱. یادنامه شهید قدوسی، ص ۱۴۰.

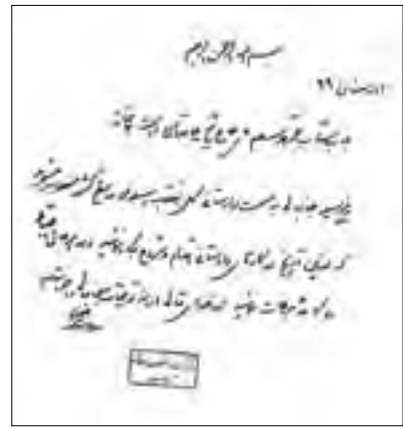
اهتمام داشت و معتقد بود از معتبرترین نسخه‌ها استفاده کند. می‌فرمود: «در زیارت عاشورا از متن مورد استفاده عالم ربانی آیه الله حاج میرزا علی آقا قاضی استفاده می‌کنم» (۱۷). شهید قدوسی به خاندان عصمت و طهارت عشق می‌ورزید و سعی می‌کرد این علاقه را در شاگردان خود نیز ایجاد کند و از روی همین اشتیاق بسیاری از خطبه‌های طولانی نهج البلاغه را با تسلط کامل حفظ می‌کرد و در هر مجلس روضه و سوگواری برای امامان شیعه، گریه شدید ایشان باعث توجه دیگران می‌شد. آیه الله احمدی میانجی خاطر نشان می‌نماید: «در ایام عاشورا روزی خدمتش بودم. بعد از آنکه قسمتی از کارهای مشترک انجام گرفت، بنا شد به مجلس سوگواری برای خامس آل عبا برویم. ایشان فرمود حدود یک قرن است که در منزل آیه الله میر سیدحسن برقی به‌طور مداوم در ایام عاشورا مراسم عزاداری برپاست. قطعاً ائمه به این مکان عنایت ویژه‌ای دارند، پس بهتر است در این مجلس حضور یابیم.» به تربیت امام حسین (ع) عشق می‌ورزید و برای خودش تربیت مخصوصی تهیه کرده بود و انگستری را که به نام مقدس معصومین زینت یافته بود، برای شب اول قبرش تدارک دید. در عین حال متظاهر به مسایل اعتقادی و سجایا و خلقیات ارزنده نبود. (۱۸)

همه ساله در ایام سالگرد شهادت حضرت امام کاظم (ع) در منزل خودش مجلس روضه برگزار می‌کرد که در آن بزرگانی چون علامه طباطبایی حاضر می‌شدند. تابستان‌ها که به مشهد مقدس مشرف می‌شد، هر روز پیش روی مرقد مبارک آن حضرت زیارت جامعه کبیره را از حفظ با چشم گریان و توجهی خاص و حالتی پرجذبه و معنوی می‌خواند، به طوری که منظره حال و توجه او برای هر کسی که مشاهده می‌کرد جالب و فراموش نشدنی بود. به حضرت ولی عصر (عج) ارادت مخصوصی داشت و پیوسته می‌فرمود ما باید حضرتش را که صاحب امر ماست در تمامی امور و شئون خویش حاضر و ناظر بدانیم. (۱۹)

شهید قدوسی با اهل معنا و عارفان و آنها که بدن‌هایشان در میان مردم است و دل و جان‌شان در ملکوت و عرش پرواز می‌کنند، در ارتباط بود و این خصوصیت را در کتمان کامل نگاه می‌داشت. او در این باب اهل نظر و تشخیص بود و مدعیان کاذب را از عارفان راستین تشخیص می‌داد. اشعار و غزلیات بسیاری را در حافظه قوی خویش نگاهداری می‌کرد. علاوه بر این که خود طبع شعر داشت و سروده‌های خویش را در دفتری جمع کرده بود. (۲۰)

به منظور تزکیه نفوس و اصلاح درون از زاهدان و پارسایان، نمونه می‌آورد. کمتر درس اخلاقی بود که شهید قدوسی در آن از حاج میرزا علی آقا قاضی و کمالاتش سخن به میان نیآورد. چنان گویا و جذاب آن استاد اخلاق و حکیم عارف را معرفی می‌کرد که بر دل می‌نشست و شنوندگان آرزو می‌کردند یا مثل قاضی شوند یا مرگشان فرابرسد، زیرا زندگی جز این، مساوی با زیان و فناست. (۲۱)

از کلاس‌های اخلاق شهید قدوسی معنویت و عرفان و جذبه‌های ملکوتی ساطع بود. خطبه‌های نهج البلاغه و به‌ویژه خطبه همام را که در وصف متقین هست، با چشم‌های گریان و صدای لرزاننش چنان اثر بخش و تکان‌دهنده می‌گفت که هرگز فراموش نخواهد شد. یک صبح پنج‌شنبه در درس اخلاق او نشستنی کافی بود که کاخ آرزوهای دنیایی و تعلقات فناپذیر آدمی فرو بریزد.



که این گونه رفتارها زمینه ساز اجرای عدالت اسلامی است. با تمام این مهربانی‌ها وقتی که دادگاه حکم مجرمی را صادر می‌کرد، هرگز تصمیم ایشان عوض نمی‌شد و در اجرای آن و یا دستگیری متهم سستی به خرج نمی‌داد، هر چند که متهم دارای شهرت و موقعیت اجتماعی و سیاسی بود، هیچ گاه در اجرای عدالت بین شخصی گمنام و فرد مشهور فرقی قائل نبود. (۱۵)

شرح درد اشتیاق شهید قدوسی ضمن آنکه منضبط، قاطع و مقرراتی بود، روحی لطیف و ذوقی سرشار داشت، گاه دیده می‌شد که در نیمه‌های شب در دفتر مدرسه رو به قبله نشسته و با معشوق خویش راز و نیاز دارد، جهان را نشانه‌ای از عظمت حق می‌دید و از مشاهده آیات خلقت لذت می‌برد. نهج، نماز شب و دعاها متنوع و ماثور نزد وی جایگاهی خاص داشت. او معتقد بود انسانی که نتواند خواب و بستر گرم را رها کند و برای نماز شب از این امور نگذرد، در آینده خیلی چیزها نخواهد داشت. محبوب‌ترین شاگردان مدرسه‌ای که او مدیریتش را عهده‌دار بود، متعهدترین آنها بودند، نه درس خوان‌ترین افراد. وی ضرورت تعبد را در کنار تعلم گوشزد می‌کرد، چون خانه‌اش نزدیک مدرسه بود، نیمه‌های شب از خانه حرکت می‌کرد که سری به آنجا بزند و ببیند کدامیک از شاگردان مشغول شب زنده‌داری هستند. نماز شب را برای روحانی لازم می‌دانست. یک شب در مسجد گوهرشاد مشهد می‌گفت: «برایم بسیار ناگوار و غیرمنظره بود که شنیدم یکی از اساتید مدرسه، مقید به نماز شب نیست. با ایشان صحبت کردم، مشخص شد سبکی معده را در شب رعایت نمی‌کند.» بار دیگر نقل می‌کرد: «وقتی در نهرانود بودیم، سالی یک بار به صورت خانوادگی به منزل یکی از آشنایان دعوت می‌شدیم. من پس از تکرار چند نوبت دیدم، همان شبی که ما در آن میهمانی غذا می‌خوریم. نماز صبح روز بعد به آخر وقت کشیده می‌شود. متوجه شدم در اموال آن شخص اشکالی وجود دارد.» (۱۶)

مرحوم آیه الله علی احمدی میانجی نقل می‌کرد: «شهید قدوسی نسبت به زیارت عاشورا مواظبت داشت. موقعی که ایشان دادستان کل انقلاب بود، در رؤیایی مشاهده کردم که بر اثر مداومت در خواندن این زیارت، علوم خاصی به وی داده شده است.» وقتی این خواب را برایش مطرح کردم، گفت: «مدتی است که این توفیق را پیدا نکرده‌ام.» موقعی که برخی تهی مغزان وهابی مسلک، نسبت به برخی جملات و مضامین زیارت عاشورا انتقاد کردند و عباراتی را به باد مسخره گرفتند، شهید قدوسی از این بی‌خردی آنان تعجب کرد و گفت: «زیارتی به این فصاحت و بلاغت وجود ندارد و کلام معصوم بودن از آن می‌بارد و در جملات آن بالاترین لطافت دیده می‌شود.» مرحوم قدوسی تأکید می‌کرد: «علامه طباطبایی به این معانی اصرار داشت و در ایام محرم و صفر زیارت عاشورا را ترک نمی‌شد و به زیارت جامعه کبیره



علامه سید محمد حسن طباطبایی